

# جهش ایثارگران به سوی قدرت

◆ امیر آریا

یکی از مضامین همیشگی نظام مدیریتی کشور، مقوله حساس شایسته‌سالاری است، شعاری که معمولاً هر مقام و مسوولی در بنو ورود به حیثه کاری بر آن اصرار می‌کند، اما متأسفانه در طول سال‌های گذشته این شعار کمتر مورد توجه قرار گرفته و میزان تحقق پذیریش به شدت کاهش داشته است.

مردم ما در طول این سال‌ها همواره شاهد جابجایی برخی مدیران و مسوولان از یک وزارتخانه به وزارتخانه دیگر و یا از یک مسوولیت به مسوولیتی دیگر بوده‌اند که بعضاً هیچ‌سختی با تخصص، سوابق، عملکرد و مدیریت افراد مورد اشاره نداشته است. پرسشی که افکار عمومی همیشه دنبال پاسخ آن بوده و هستند، این است که آیا تحقق نیافتن شایسته‌سالاری به علت بی‌صدقاتی مدیران ارشد دولتی است یا درک صحیحی از این مهم ندارند.

هر چند برخی از احزاب و تشکلهای معتقدند دست‌های نامرئی و مافیای پنهان قدرت تأثیر شگرفی در عزل و نصب‌های حکومتی دارد، اما تمایل و علاقه مسوولان ارشد کشور به استفاده از نیروهای وابسته به خود که بعضاً رابطه خویشاوندی هم دارند، در عزل و نصب‌هایی تأثیر نبوده است. نگاهی به مسوولان ارشد و میانی کشور نشان می‌دهد که بخش اعظمی از آنها با

یکدیگر قرابت فامیلی دارند و به عبارتی نظام مدیریتی کشور در طول این سال‌ها همواره بین هزار فامیل تقسیم شده است! این مافیای پنهان که تقریباً در اکثر دستگاهها و نهادهای برخوردار از بودجه دولتی وجود دارد، اجازه نمی‌داد نسل سوم که مانند نسل‌های اول و دوم نمی‌اندیشد و خود دارای اندیشه و تفکر خلاقانه هستند، بر مصدر امور تکیه زنند. این دست‌های نامرئی که ملاک امتیاز دهی و ارتقای شغلی برخی مدیران را نه خلوص و کاردانی، که تملق، چاپلوسی، باند بازی و ارادت‌ورزی به اهزم‌های قدرت می‌دانند، هیچ‌گاه اجازه ندادند اداره مسوولیت پست‌های حکومتی به دست افراد شایسته خارج از دایره وابستگان آنها واگذار شود.

اگر چه پس از پیروزی آبادگران در انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن احمدی‌نژاد این نظام تا حد زیادی دگرگون و تغییر کرد، اما با این وجود باز هم پیروی از رفیق بازی در عرصه‌های

سیاسی و اجتماعی وجود دارد. ممکن است چهره‌های تازه که مسوولیت‌های اجرایی را عهده‌دار شدند، توانایی لازم را برای اداره این سمت داشته باشند، اما از چهره‌ها و عناصر ورزیده و با تجربه دولت‌های گذشته که اکنون حاشیه‌نشین شده‌اند، خبری نیست و همین مساله مدتی است که به یک چالش اساسی بین دولت و مجلس تبدیل شده است.

اصل حرکت رئیس‌جمهوری در تغییر نظام مدیریتی کشور امری پسندیده و مطلوب به شمار می‌رود، مشروط بر اینکه در دایره جدید مسوولیت، همه عناصر با تجربه و فعال در ترکیب آن حضور داشته باشند تا چرخش نخبگان و مدیریت به نحو مطلوب صورت گیرد.

علی‌رغم مطالب گفته‌شده، فرآیند تحولات سیاسی و اجتماعی کشور پس از آغاز به کار دولت نهم باعث جهش و صعود برخی احزاب و جریان‌ها به رده‌های بالای مدیریتی شده است. یکی از



این جریان ها، ائتلاف آبادگران و جمعیت ایثارگران است که نقش عمده ای در موفقیت احمدی نژاد ایفا کردند.

وضعیت ایثارگران البته با آبادگران قدری تفاوت دارد، زیرا آبادگران از ابتدای فعالیت خویش در عرصه انتخابات حمایت خود را از احمدی نژاد اعلام کرد. اما ایثارگران که به دنبال نتایج افکار سنجی، شانس قالیباف را بیشتر از او پیش بینی کرده بودند، طرفدار وی شدند تا اولین زرمه های ایجاد اختلاف بین این دو جریان رسمی شود. از این رو پس از اعلام نتایج انتخابات، اعطای پاداش های انتخاباتی با معرفی چهره های آبادگر شوراها و شهرداری ها به سمت های دولتی آغاز شد. این روند تا آنجا ادامه یافت که اعتراض بسیاری از جناح ها به ویژه ایثارگران را برانگیخت. هر چند گروه اخیر در موضع گیری های خود رسماً اعلام کرد که هیچ فهرستی را به رئیس جمهوری نداده و از برنامه های دولت حمایت می کند، اما به نظر می رسد سهم این جریان از پیروزی انتخاباتی به طور عادلانه نصیب شان نشده بود.

از این به بعد ریزنی ها و تلاش چهره های شاخص ایثارگران برای ورود به حلقه مدیران دولتی آغاز شد و آنقدر ادامه یافت که بالاخره نامزد اصلی آنها در انتخابات، مدیریت شهرداری تهران را به عهده گرفت. محمد باقر قالیباف که توانست موافقت "گروه ۸" را در شورای شهر تهران به دست آورد، با تکیه زدن بر مسند شهرداری تهران روند رو به رشد ایثارگران را تثبیت کرد. استعفای دارابی از قائم مقامی جمعیت ایثارگران و گرفتن پست معاونت استان های صدا و سیما موفقیت دیگر این جریان است. اکنون به نظر می رسد پس از ۱۰ سال فعالیت سیاسی زمینه برای فعالیت مطلوب این جریان در پست های حکومتی فراهم است. ایثارگران که در سال ۱۳۷۴ با همکاری گروهی از نظامیان و فعالان جهاد سازندگی کار خود را آغاز کردند و دفاع از آرمان های انقلاب را به عنوان دغدغه ذهنی خود در نظر گرفتند و حضور خود را در عرصه سیاسی به تدریج پر رنگ نمودند. نگاهی به رده های مسوولیتی فعالان این جریان از سال ۷۴ تا کنون می تواند فضای مطلوب و چشم انداز روشنی از آینده این جریان را متصور سازد. جمعیت ایثارگران همانطور که اشاره شد،

در سال ۷۴ با محوریت حسین فدایی، علی دارابی، داود دانش جعفری، هادی ایمانی، علی یوسف پور، محمود احمدی نژاد، مجتبی شاکری و احمد مقیمی وارد عرصه فعالیت های سیاسی شد. این جمعیت از آنجا که با دیدگاه و اندیشه های اصول گرایان سنتی چندان موافق نبودند، نتوانستند در آن سال ها تاثیر عمده ای بر فضای کشور بر جای گذارند. عدم موفقیت آنها در انتخابات مجلس پنجم و ششم و نیز انتخابات دوره اول شوراها اثبات کننده این موضوع است.

همین شکست های سیاسی باعث شد فعالیت آنها شدت یافته و با توجه به تجربیات تلخ گذشته حول یک محور جمع شوند. انتخابات دوره دوم شوراها در واقع نقطه آغازین جهش ایثارگران به عرصه های حکومتی است، زیرا با تشکیل شورای هماهنگی و در آخرین روزهای انتخابات، فهرستی را در معرض عموم قرار دادند که با نام "آبادگران ایران اسلامی" افکار عمومی را مجذوب خود کرد. نتیجه انتخابات، پیروزی این فهرست را اعلام کرد و ائتلاف آبادگران بالاخره توانستند با این عنوان اولین پیروزی خود را در ورود به نهاد مدنی ثبت کنند. البته عملکرد نه چندان موفق اصلاح طلبان در دوره اول شوراها که سرانجام باعث انحلال آن شد، سهم موثری در موفقیت



ایثارگران داشت. پس از مدتی اعضای شورای شهر که از لحاظ فکری به ایثارگر نزدیک بودند، احمدی نژاد عضو شورای مرکزی این جمعیت را به عنوان شهردار تهران انتخاب کردند تا پروسه حضور آنها در حاکمیت عملاً کلید به خورد.

به دنبال کسب این موفقیت و در آستانه انتخابات مجلس هفتم، ایثارگران با برگزاری دومین کنگره خود تعدادی از اعضای جدید را وارد تشکل خود کرد که شامل افرادی مانند فاطمه آلیا، صدیقه شاکری، نفیسه فیاض بخش، مسعود زریبافان، لطف الله فروزنده، بیژن مقدم، علی احمدی، مسعود سلطان پور و علی رضا سربخشی می شد. حساسیت انتخابات مجلس هفتم باعث شد تا اصول گرایان با گرد آمدن در ترکیب شورای هماهنگی نیروهای انقلاب فهرستی ۳۰ نفره منتشر کنند که در آن اسامی اشخاصی مانند دانش جعفری (وزیر اقتصاد) حسین فدایی، مهدی کوچک زاده و فاطمه آلیا (نمایندگان مجلس) به چشم می خورد. فعالیت منسجم این گروه در قالب شورا باعث موفقیت آنها در راهیابی به مجلس هفتم شد تا اصلاح طلبان یکی از مهم ترین سنگرهای خود را به حریف واگذار کنند.

این مقطع آبادگران که عمدتاً فقط یک تابلو و عنوان انتخاباتی محسوب می شد. توانست دو گام موفقیت آمیز در کسب کرسی های شوراها و مجلس دست آورد، بنابراین سومین گام بردارنده را نیز برای تصاحب کرسی اجرایی کشور برداشت.

در این برهه مانند گذشته این جریان کوشید باز هم در ترکیب شورای هماهنگی قرار گیرد، اما به دلیل اختلافات عقیدتی و سیاسی با این شورا از آن خارج شد. بدین ترتیب پس از فراز و نشیب های فراوان سرانجام علی لاریجانی به عنوان نامزد اصلی شورای هماهنگی معرفی شد و ایثارگران مجبور شد تا با وجود پاره ای اختلاف نظر درباره نامزد اصلی، از محمد باقر قالیباف حمایت کنند. در جریان رقابت های انتخاباتی و به دنبال انتشار نتایج نظر سنجی که ظاهراً حاکی از رشد قابل توجه قالیباف در بین افکار عمومی بود، ایثارگران در مرحله اول از وی حمایت کردند تا اینکه پس از راهیابی احمدی نژاد و هاشمی به دور دوم، از رفیق حزبی خویش احمدی نژاد

حمایت کردند تا گام سوم اصول گرایان نیز با موفقیت همراه باشد.

پس از آغاز به کار دولت نهم، احمدی نژاد که پیروزی خود را بیشتر مدیون طرفداران خود در شورا و شهرداری می دانست، اعلام کرد که کاندیدای هیچ جریانی نیست و حتی در معرفی کابینه سهم چندانی نصیب اینارگران نشد و آنها توانستند فقط دانش جعفری را به عنوان هدایت کننده اقتصاد کشور به دولت وارد کنند. در این هنگام هر چند اینارگران از عدم سهم خواهی از دولت سخن گفتند، اما عملاً توانستند یک سهم از دولت بگیرند.

تلاش این جریان پس از ناکامی ۴ وزیر پیشنهادی در مجلس گسترده تر شد تا اینکه مسعود زریبافان عضو شورای مرکزی اینارگران به عنوان دبیر هیات دولت معرفی شد. در همین ایام علی یوسف پور عضو دیگر این تشکل معاون پارلمانی وزارت نیرو و علی دارابی معاون پارلمانی امور استان های صدا و سیما شدند. این موفقیت ها همچنان ادامه یافت تا اینکه بیژن مقدم دیگر عضو اینارگران مدیر مسوول



در نظام مدیریتی حاکی از رشد و صعود آنها به رده های بالای حکومتی است و این معنا را دارد که آینده سیاسی کشور را حداقل در طول ۴ سال بعدی ائتلاف آبادگران - اینارگران رقم خواهند زد، هر چند وجود برخی اختلاف نظرها در بین این دو تشکل مانع از معرفی افراد هماهنگ در کابینه شد، اما در عین حال تلاش آنها برای تشکیل حزب و انتشار ارگان مطبوعاتی حاکی از دولتی شدن این جریان است، اقدامی که اگر به واقعیت برسد، سرنوشت مطلوبی در انتظارشان نخواهد بود، زیرا هر وقت احزاب ساخته و پرداخته دست دولت شوند، روند نزولی محبوبیت و کاهش مسوولیت پذیری عینیت بیشتری خواهد یافت.

انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم درس های بزرگی به سیاستمداران آموخت که شاید مهم ترین آن، وقوف مسوولان به ضرورت حفظ ائتلاف های سیاسی باشد، واقعیتی که اصلاح طلبان نخواهند یا نتوانستند برای ماندن در عرصه قدرت به آن توجه کنند.

روزنامه ایران و سید صولت مرتضوی استاندار خراسان جنوبی شد.  
تغییر و تحولات صورت گرفته در بافت مدیریتی کشور و حضور اعضای این تشکل سیاسی

## راهنمای اشتراک

### یک سال، ماهنامه گزارش را دریافت کنید.

#### لطفاً نکات ذیل را در نظر داشته باشید:

- ۱- فرم اشتراک را کامل و خوانا تکمیل کرده و کدپستی را حتماً قید فرمایید و همراه با برگ واریز وجه به نشانی دفتر مجله پست یا با نمابر ۸۸۲۳۳۶۱ ارسال نمایید.
- ۲- حق اشتراک را الف: به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، شعبه گلزار، کد ۷۹۰ تهران (قابل واریز در همه شعب بانک صادرات به نام مجله گزارش واریز نمایید).
- ب: به حساب جاری مهر شماره ۱۰۰۳۹۲۰۳۳۰۰۶ به نام ابوالقاسم کلباف واریز نمایید و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۴۶۷ - ۱۴۱۵۵ ارسال فرمایید.
- ۳- کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید.
- ۴- حق اشتراک خارج از کشور ۲۰ یورو و یا ۴۵ دلار می باشد.
- ۵- حق اشتراک یکساله برای مؤسسات دولتی ۶۰۰۰ تومان و برای بخش خصوصی ۵۰۰۰ تومان است و برای دانشجویان ۴۰۰۰ تومان است.
- ۶- حق اشتراک خارج از کشور ۴۰ دلار می باشد.
- ۷- در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر ماهنامه گزارش را در جریان قرار دهید.

## برگ اشتراک ماهنامه گزارش

نام:

نام خانوادگی:

نام شرکت یا مؤسسه:

شغل:

تخصصیات:

نوع فعالیت:

درخواست اشتراک از شماره:

و تعداد مورد نیاز از هر شماره:  نسخه

نشانی:

کدپستی:

صندوق پستی:

نشانی مجله: تهران، صندوق پستی ۵۴۶۷ ۱۴۱۵۵